نگاه

آلودگی هوا و سفرهای داخل شهری

فاطمه ناصحی
استاد محیط‌زیست دانشگاه آزاد اسلامی

● مشکل آلودگی هوای تهران چنان ابعاد جدی به خود گرفته است که تمامی تلاش‌های شبانه‌روزی شهروندان جهت حفظ سلامت و سعادت خود و فرزندانشان را بی‌معنا و مفهوم کرده است. موقعیت خاص جغرافیایی و وجود کوه‌ها در اطراف تهران با ایجاد شرایط هوای ایستا بر فزونی آلودگی دامن زده است. غلظت آلاینده‌های هوای تهران از توان پالایش اتمسفر فراتر رفته و میلیون‌ها نفر در معرض هوای ناسالم قرار دارند. امروز با هشداری جدی روبه‌رو هستیم: هرچه زودتر باید منابع این آلودگی را شناسایی کرده و در پی رفع آنها برآییم. با توجه به اینکه درصد بسیار بالایی از آلودگی هوای تهران مربوط به سوخت اتومبیل‌هاست، باید اقداماتی صورت گیرد که قادر باشد دگرگونی‌های موثری در به‌حداقل‌رساندن استفاده از خودروها ایجاد کند. یکی از دلایل عمده آلودگی هوای شهر تهران جابه‌جایی روزانه شهروندان با خودروها به‌خصوص به‌صورت تک‌سرنشین، بین محل کار و زندگی آنهاست. به‌عنوان مثال اگر محل زندگی شخصی در شمال شهر است شخص باید روزانه مسافت طولانی طی کند تا به محل کار خود در شرق، مرکز، غرب، جنوب و یا حومه شهر برسد و معمولا به ندرت اتفاق می‌افتد که با توجه به ابعاد بزرگ شهر تهران این مسافت کوتاه باشد. با توجه به جمعیت بالای شاغلان شهر تهران و طبیعتا میزان استفاده آنان از انواع وسایل نقلیه میزان آلاینده‌های تولیدی طی سفرهای شغلی درون‌شهری قابل توجه است. در اینجا حقیقتی وجود دارد و آن اینکه حتی اگر کنترلی با اعمال بالاترین استانداردهای ممکن ملی در مورد خودرو و سوخت آن به عمل آید، اما همچنان چندین میلیون کیلومتر سفر کاری ادامه یابد، باز هم بروز آلودگی هوا غیرقابل اجتناب خواهد بود. رفع آلودگی هوا هیچ راه‌حل آسانی نداشته و نیازمند کوشش‌های عظیمی است و نمی‌توان یک‌شبه و بدون تدبیر آن را رفع کرد و اگر همه‌چیز تنها به صحبت منجر شود بیم آن می‌رود که غیرقابل‌کنترل‌تر از گذشته شود. سیاست‌های ملی باید با تکیه بر محکم‌ترین تدابیر زیست‌محیطی جامعه را به‌سوی صرفه‌جویی در مصرف سوخت‌های فسیلی سوق دهند که در شرایط فعلی شاید این تنها راه‌حل منطقی است. تجربه سال‌های گذشته در تشویق مردم برای مهاجرت از تهران به شهرستان‌ها حتی با لحاظ امتیازهای تشویقی راه به جایی نبرد ولی حداقل می‌توان در خود تهران تمهیدی برای کاهش میانگین طول سفرهای کاری اجباری داخل شهری کرد. دولت باید سیاستی اتخاذ کند تا در کنار سایر راهکارهای مدیریتی، مسافرت‌های کاری افراد را به حداقل رسانده و تا حد امکان تناسب بین توزیع مکانی کارکنان در ادارات با محل زندگی‌شان را مورد بازبینی قرار داده و هر اقدامی که به ایجاد این تعادل کمک می‌کند مورد حمایت قرار دهد و به بیان ساده‌تر کارکنان باید بین شعب مختلف متناسب با محل زندگیشان باز توزیع شوند. این اقدام علاوه بر هزینه اندک در قیاس با سایر روش‌های با هزینه سنگین همچون انتقال پایتخت و... نقش قابل‌توجهی در کاهش میزان ترافیک شهری و طبیعتا کاهش آلاینده‌های هوا خواهد داشت. دولت باید اطمینان حاصل کند که جامعه نسبت به اقدامات زیست‌محیطی که بنا به ضرورت انجام می‌گیرد کاملا آگاهی داشته باشد، چراکه هیچ اقدام زیست‌محیطی در جامعه موثر واقع نخواهد شد مگر آنکه عموم شهروندان حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشند.

دریچه

معاون ستادکل نیروهای مسلح خبر داد

خدمت سربازی اضافه نمی‌شود

● **واحدمرکزی‌خبر:** معاون نیروی انسانی ستادکل نیروهای مسلح گفت: بنا نداریم فعلا خدمت وظیفه عمومی را افزایش دهیم و سال آینده هم همان قانون قبلی اجرا می‌شود. امیرسرتیپ محمدحسن باقری، در حاشیه همایش تخصصی مدیران ورزش نیروهای مسلح افزود: در آخرین قانون وظیفه عمومی که در سال ۹۱ اجرایی شد، خدمت سربازی ۲۴ماه است که هم‌اکنون نیز تغییری نکرده است. او گفت: بر اساس اختیار ستادکل و برحسب نیاز و ضرورت مدت سربازی می‌تواند همان ۲۴ماه یا کمتر باشد. امیر باقری افزود: هم‌اکنون، خدمت سربازی ۲۴ماه است اما برای کسانی که در دستگاه‌های نظامی خدمت می‌کنند این مدت ۲۱ماه و برای کسانی که در مناطق عملیاتی و ماموریتی هستند این مدت به ۱۸ ماه تقلیل می‌یابد.

مدیرکل دفتر آب و خاک سازمان محیط‌زیست:

هنوز ۲۰درصد بیمارستان‌ها سیستم امحای زباله ندارند

● **ایسنا:** مدیرکل دفتر آب و خاک سازمان حفاظت محیط‌زیست گفت: دستگاه‌های اتوکلاو در بهترین شرایط می‌توانند حدود ۸۰درصد از زباله‌های بیمارستانی را امحا کنند. فرهاد پورسخا گفت: طبق گزارشاتی که وزارت بهداشت ارایه داده و قابل تایید هم است، ۸۰ تا ۸۵درصد از بیمارستان‌های کشور به سیستم امحا مجهز هستند در حالی که قرار بود تا پایان سال ۹۲ این میزان به صددرصد برسد. وی افزود: برای اینکه مدیریت پسماندهای بیمارستانی به شکل مناسب‌تری انجام شود، شهرها باید به یک سیستم امحای متمرکز مجهز باشند. چراکه در سطح شهر زباله‌های ویژه و خطرناک زیادی در پلی‌کلینیک‌ها، مطب‌های پزشکی و مراکز درمانی داریم که باید با سیستم امنی جمع‌آوری شده و به مراکز امحای متمرکز منتقل شوند.

رییس سازمان بازرسی: با دنیامالی توافق نمی‌کنیم

شرق، فاطمه جمال‌پور: سناریو حضور روسای فدراسیون‌ها در شورای شهر تهران با مخالفت صریح رییس سازمان بازرسی کل کشور با حضور همزمان دنیامالی در شورای شهر و فدراسیون قایقرانی تغییر کرده است. در حالی‌که ورزشکاران، دنیامالی و رییس شورای شهر امیدوار بودند با سازمان بازرسی به توافق برسند اظهارات رییس سازمان بازرسی کل کشور مبنی بر اینکه «با دنیامالی توافق نمی‌کنیم» امیدهای آنها را نقش برآب کرده است.

از سوی دیگر وزیر ورزش‌وجوانان گفته اگر دنیامالی تایید استعفایش را از شورا تا روز چهارشنبه نیاورد گزینه دیگری به جای وی رییس فدراسیون قایقرانی می‌شود. حالا دنیامالی راهی جز گرفتن تایید استعفایش از شورای شهر در روز سه‌شنبه ندارد. او که در روز انتخابات فدراسیون قایقرانی در حضور حضار متعهد شده بود که تایید استعفایش را از شورا می‌آورد، راهی سخت را برای گرفتن تایید استعفایش از شورای چهارم در پیش‌رو دارد چراکه اعضای شورا از استعفای او ابراز نارضایتی کرده و استعفای عضو قبلی یعنی مسعود سلطانی‌فر هم در دور دوم رای‌گیری اعضای شورای شهر پذیرفته شد.

ناصر سراج، رییس سازمان بازرسی کل کشور در گفت‌وگو با «تسنیم» در خصوص اینکه دنیامالی عضو شورای اسلامی شهر تهران مطرح کرده است با سازمان بازرسی کل کشور توافق خواهد کرد تا در شورای شهر و فدراسیون حضور یابد، گفت: «ما غیر از قانون عمل نخواهیم کرد.»

وی ادامه داد: «با کسی توافق نخواهیم کرد و هرچه قانون بگوید عمل کرده و غیر از قانون با کسی توافق نخواهیم کرد؛ بنابراین طبق قانون عمل خواهیم کرد.» از سوی دیگر وزیر ورزش‌وجوانان هم در حاشیه همایش تخصصی مدیران تربیت‌بدنی نیروهای مسلح گفت: «در صورت نپذیرفتن استعفای احمد دنیامالی توسط شورای شهر به دنبال گزینه دیگری برای ریاست فدراسیون قایقرانی خواهیم رفت.» این اظهارات صریح در حالی است که احمد دنیامالی در گفت‌وگویش با «شرق» اظهار امیدواری کرده بود که «با دید تعاملی این مشکل حل شود.» رییس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل همچنین گفته بود: «این اختلاف‌نظر تنها در مورد من نیست و رضازاده هم چنین داستانی را دارد و در مورد تمام کسانی که در ورزش فعالیت می‌کنند و شغل‌های موظفی دارند هم صدق می‌کند. اما اگر ناچار به انتخاب شوم فدراسیون قایقرانی را انتخاب می‌کنم.» دنیامالی رابطه نزدیکی با قالیباف و یارانش در شورای شهر دارد و از فهرست اصلاح‌طلبان به شورای چهارم وارد شده و باید دید با تمام این اوصاف او می‌تواند باوجود همه نارضایتی‌ها تایید استعفایش را از شورای چهارم بگیرد؟ اگر این اتفاق بیفتد قالیباف یکی از حامیانش در شورا را از دست می‌دهد. افشین حبیب‌زاده از اعضای علی‌البدلی که به‌عنوان نماینده خانه کارگر و از فهرست اصلاح‌طلبان نامزد شورای شهر شده بود جایگزین او می‌شود. از سوی دیگر در صورت ترک شورا توسط دنیامالی به خاطر ریاست فدراسیون قایقرانی باید در انتظار استعفای حسین رضازاده، عضو شورا و رییس فدراسیون وزنه‌برداری هم ماند. در این صورت حسن خلیل‌آبادی دیگر عضو اصلاح‌طلب و علی‌البدل شورا جایگزین وی می‌شود. شورای چهارم در نیم‌سال نخست عمر کاری خود رکورد شش‌تغییر را در میان چهار دوره گذشته از آن خود می‌کند و تعداد اصلاح‌طلبان شورا به ۱۶نفر قطعی افزایش می‌یابد.

گزارش میدانی «شرق»:

دختران شیشه‌ای

نسرین ظهیری

نگاه‌ها دست‌نخورده‌اند. صورت‌ها نوبرانه‌اند. نوبرانه بهار جوانی. چشم‌های دخترکان دبیرستانی کال است. آنها شور و شوق می‌روند، اینجا، در میان پیاده‌روهایی که حاشیه‌نشینی پایتخت را تعبیر می‌کنند و در همهمه مدرسه‌های دخترانه و پسرانه‌ای که هرچند قدم تکرار می‌شوند، منطقه‌ای در جنوب‌غرب تهران.

خانم مشاور از همان ابتدا قول سفت و سخت می‌گیرد. با اینکه دلش چندان راضی نیست، تایید می‌کند که بیش از نیمی از خانواده‌های دختران این دبیرستان درگیر اعتیادند؛ یعنی اینکه از هر دو دخترکی که در این کوچه پت‌وپهن از کنارت رد می‌شود، یکی از آنها درد اعتیاد را با پوست و خونش می‌فهمد.

از در بزرگ مدرسه که رد می‌شود، شادی روی گونه‌ها اما پرپر می‌کند. انگار از فاصله جهنم و زندگی آنها گذر کنی.

اولی‌ها طوسی، دومی‌ها پسته‌ای، سومی‌ها سرمه‌ای، حیاط مدرسه به قدوقواره حیاط مدرسه‌های تهرانی نیست. بزرگ است و میدان‌دار. مثل حیاط مدرسه‌های شهرستان‌های کوچک. روی دیوار مدرسه نوشته شده درخت توگر بار دانش بگیرد به زیر آوری چرخ نیلوفری را.

حضور در اتاق مشاور مدرسه هزار اما و اگر و شرط و شروط دارد. چند نفر واسطه می‌شوند. قول‌وقرارومدار پا برجاست. اسم مدرسه خط گرفته شود. اسم مشاور، اسم بچه‌ها...

خانم مشاور قند می‌ریزد توی چایش. هم می‌زند. چادرش را در آورده و آویزان کرده. لیست بچه‌هایی را که امروز باید سراغی از آنها بگیرد، می‌دهد مستخدم مدرسه.

اول صبح در اتاق خانم مشاور را دخترکی ریزنقش وا می‌کند. مانتوی طوسی‌رنگ به قواره تنش دوخته شده. دست‌هایش از سرمای حیاط مدرسه سرخ است. با اشاره خانم مشاور می‌نشیند و نگاه می‌کند به من که لابد غریبه‌ام. از وجناتش پیداست که بارها میهمان این اتاق بوده.

خانم مشاور مقنعه جلو می‌کشد: «چه خبر ندا، اوضاع و احوال.» «خانم توی جر و دعوا که حلوا خیرات نمی‌کنند. دیشب عمویم آمد توی خانه ما. این قدر داد و بیداد کرد که همسایه‌ها ریختند توی کوچه. سند و مدرک آورده بود و بابامو تهدید می‌کرد.»

دخترک تند و تند حرف می‌زند. ساعتش را می‌پاید: «خانم، کاش بابابزرگم این دو تا تیکه زمین را نداشت. این همه سروصدا و... می‌دانید من حرف شما را گوش می‌دهم و درسم را می‌خوانم. می‌روم وکیل می‌شوم تا انتقامم را از خانواده بابام بگیرم. انتقام این همه آبروریزی را.»

می‌خواهد برود. دست‌هایش را به نشانه اجازه بالا می‌برد و می‌رود. خانم مشاور می‌گوید که خیلی از بچه‌ها درگیر دعواهای خانوادگی هستند و این موضوع در این سن و سال برایشان کینه می‌شود و بعدها خوره زندگی و ذهنشان. هر چقدر هم مادرها را صدا می‌کنیم که این دعواها را به خانه نکشانید حرف به گوششان نمی‌رود.

دخترکی که می‌آید داخل اتاق مشاوره، خوش‌صورت است، لاغر، با ابروهای کشیده قاجاری و لب‌هایی که گوشه‌هایش را گویی بارها با دندان گزیده. دست‌هایش به هم گره زده و من و من می‌کند. حرف که می‌زند گره دست‌هایش وا می‌شود. هر جمله‌ای که می‌گوید با انگشت اشاره یکی، روی دست دیگرش خط‌های نامفهومی می‌کشد: «خانم با مادرم حرف زدید»، «زنگ زدم دیروز، خانه نبود»، «حتما رفته بوده بانک. رفته با اصرار پدرم وام بگیرد.»

خانم مشاور: «چرا پدرت نمی‌رود؟» «پدرم اهل بانک و این حرفا نیست. مادرم این‌جور کارها را انجام می‌دهد. ولی تو را به خدا هر جوری هست با مادرم حرف بزنید. مصرف بابام هر روز می‌رود بالا. توی آن خانه نمی‌شود زندگی کرد.»

هنوز کلمات توی زبانش درست نمی‌چرخد. می‌خواهد بگوید اما تردید می‌کند. رنگ از چشم‌هایش پریده. حالا دل و ذهنش را یکی می‌کند. تندتر از قبل حرف می‌زند: «می‌دانید شب‌ها با چه ترس و لرزی می‌خوابیم. شب‌ها مادرم پای من و خواهرهایم را می‌بندد به پای خودش و می‌خوابد. مصرف بابام شیشه است.

مشاور پلک نمی‌زند. چشم‌هایش نگاه نصف‌نیمه‌ای دارد. لابد پشیمان‌شده از اینکه غریبه را آورده در اتاق مشاور مدرسه دارد به خودش بدوبیراه می‌گوید؛ مدرسه‌ای که اعتیاد بخش جدایی‌ناپذیر خانواده‌های دانش‌آموزانش است. شاید به شب‌های روزگار این دخترک فکر می‌کند. دخترک کیفش را می‌گذارد روی صندلی سیاه کنار دستش و تندوتند پاچه شلوارش را بالا می‌زند و رد طناب‌ها روی مچ پای ۱۵ ساله‌اش... نفس اتاق می‌گیرد. دخترک که می‌رود گلوهای‌مان به هم چسبیده. دخترک می‌رود و خانم مشاور چایی هورت می‌کشد و چشم‌هایش را می‌دزدد...

خانم مشاور زنگ می‌زند و می‌گوید که سحر... را به دفتر مشاوره بیاورند. طول می‌کشد تا سحر بیاید. بالاخره در وا می‌شود و دخترکی تر و فرز و سبک می‌آید می‌نشیند روبه‌روی خانم مشاور. چندان در قید و بند اجازه‌گرفتن نیست و به قاعده بچه مدرسه‌ای‌ها بازی نمی‌کند. خنده از لب‌های سحر به زحمت جمع‌وجور می‌شود. نگاه ناراحتی ندارد.

خانم مشاور می‌گوید سحر می‌شود مقنعه‌ات را کنار بزنی. نگاه دخترک کدر می‌شود. لب ور می‌چیند و پرسشگرانه مقنعه را عقب می‌دهد. موهای به غایت کوتاه سیخ سیخی و پسرانه. گوشه‌ها خط ریش هم دارد. خانم مشاور با جانم و جانم به سحر حالی می‌کند که بچه‌ها گزارش داده‌اند که بیرون مدرسه با تیپ پسرانه می‌گردی و شلوار و کاپشن ورزشی می‌پوشی و کلاه می‌گذاری.

خانم مشاور آهسته‌تر می‌گوید «خودم باورم نمی‌شد اما حالا این موهای پسرانه هم که شاهد ماجرا شده. حالا چه می‌گویی.»

از سحر انکار و از خانم مشاور اصرار. دیگر خنده از لب‌های دخترک کنار کشیده و چشم‌هایش مه آلود می‌شود. خانم مشاور حرف می‌زند و حرف می‌زند تا بالاخره سحر لب باز می‌کند: «شما می‌دانید که پدرم معتاد است، ما پسر نداریم. خودش هم که سن‌وسالی ازش گذشته، چهار تا خواهر دارم که شوهر کرده‌اند و من مانده‌ام با بابای معتاد. سر شب که می‌شد هی اصرار می‌کرد تا بروم برایش جنس بخرم. اول‌ها با همین لباس مدرسه و کیف می‌رفتم. بعدا دیدم خیلی دردسر درست می‌شود و اذیتم می‌کردند. نشستیم با مادرم فکر کردیم و بالاخره متوجه شدیم اگر موهایم را کوتاه کنم و لباس پسرانه بپوشم این قدر بهم گیر نمی‌دهند. یکی، دو بار این کار را کردم، خدا را شکر اینقدر خوشگل مشگل نیستم. به قدر اینکه جنس برا بابام بخرم پسر می‌شوم. تازه فهمیدم پسربودن چقدر خوبه. دردسرش کمتره. مامانم هیچی نمی‌گوید. چه کار می‌تواند بکند بدبخت.»

سحر انگار دارد از عادی‌ترین کارهای روزانه حرف می‌زند. خودش برای خودش می‌خندد. رها و سبک. گویی منتظر است خانم مشاور دست‌ها را به نشانه تشویق بکوبد.

کل کل مشاور و سحر شروع می‌شود. آنقدر می‌گوید و می‌گوید که دهانش کف می‌کند. آسمان و ریسمان می‌کند. از خطرات می‌گوید. از مشکلاتی که ممکن است پیش بیاید.

هنگام رفتن سحر بلند می‌شود؛ یک‌جور فرار از نصیحت‌های خانم مشاور: فکر می‌کنید من بچه‌ام. همه اینها را می‌دانم. اما جنس بابا را کی بخرد. حال کتک خوردن ندارم. شما یه‌جوری مشکل اعتیاد بابا را حل کن من هم دختر می‌شم...»

یک جعبه شیرینی مربایی و پشت سر دخترکی با چشم‌های براق وارد می‌شود. دخترک ۱۵، ۱۶ ساله است. جعبه بزرگ شیرینی به زحمت توی دستش جا شده: «برایتان شیرینی آوردم. تا آخر ترم اینجام. گفتم ازتون تشکر کنم. دیشب نامزد کردیم...»

«چقدر زود. مگر من این قدر نصیحتت نکردم که عجله نکن. الان وقت شوهرکردن نیست. باید درست را می‌خواندی. حرف آدم را گوش نمی‌کنید. هر کاری دلتان می‌خواهد می‌کنید.»

شرم روی لپ‌های دخترک رد می‌گذارد: «مگر اختیارم دست خودم بود. من علاقه چندانی به این پسر هم ندارم. مادرم هول شده بود. بدبخت او هم گیر افتاده. بابای بیکار معتاد چه‌جوری خرج من را بدهد. بروم یک نان‌خور کمتر. بابام خودش اصرار کرد. منم چندان مقاومت نکردم. رحیم لااقل معتاد نیست. بعدا درسم را می‌خوانم. تحمل داد و بیداد بابا را دیگر ندارم. این جوری راحت می‌شوم.»

دختر می‌گوید و چشم‌های مشاور به نم می‌نشیند. شیرینی‌ها مزه تلخ دهان را عوض نمی‌کند. تلخ‌ترین شیرینی جهان... .

سپیده... که می‌آید خانم مشاور از جایش بلند می‌شود و بغلش می‌کند. با هم پچوپچ می‌کنند. دوتا خانم مشاور می‌گوید سه تا سپیده.

از حرف و حدیث‌ها چیزی دستگیرم نمی‌شود. سپیده گریه می‌کند و بعد کار به آشتی می‌رسد و دلجویی و سپیده با چشم‌های سرخ ودست‌های لرزان بلند می‌شود و می‌رود.

خانم مشاور انگار نمی‌تواند هجمه این غمگینی را توی دلش نگه دارد: «پدر این بچه را به‌خاطر مواد گرفتند و چندسالی توی زندان بوده. مادرش از پس خرج بچه‌ها بر نیامد و رفت شوهر کرد. حالا پدرش هفته دیگر از زندان برمی‌گردد و غصه‌هایش هم مانده برای این دخترک معصوم. خود من هم نمی‌دانم چه کار می‌توانم انجام بدهم...» خانم مشاور دستش را پناه سرش می‌کند و آه می‌کشد. آه چه کنم، چه کنم...

زنگ تفریح سالن در تصرف نگاه‌ها و لب‌های خندان است. شوق همچنان در چشم‌های زیبا موج می‌زند و غم‌هایشان را گم می‌کند در هیاهوی مدرسه. از هر دو دانش‌آموزی که از کنارم می‌گذرد، در خانه یکی از آنها هر شب شیشه و کراک و تریاک مصرف می‌شود. در خانه مادران آینده؛ مادران خوشحال، مادران غمگین.

عکس: احسان هاشمی، جام‌جم

مواظب بچه‌ها باشید

مظفر الوندی . دبیر مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک

در سال‌های اخیر قوه‌قضاییه با عزمی راسخ با برخی ناهنجاری‌های اجتماعی و جرایم خشن برخورد کرده و سعی می‌کند فاصله ارتکاب جرم و اجرای مجازات را کوتاه تا آثار آن در امنیت جامعه و کاهش اجتماعی جرایم پدیدار شود و هرازچندگاهی شاهد اجرای مجازات به‌دارآویختن مجرمین در ملأعام هستیم و هزاران‌نفر هم از سر کنجکاوی یا علاقه به تماشای این صحنه‌ها می‌آیند و تصاویر آنها هم در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود، اینکه مجازات‌ها باید به‌جا، سریع و محکم باشد مورد اقبال جامعه است گرچه صرف اجرای مجازات هیچ‌گاه به معنای ریشه‌کنی یا کم‌شدن معنادار میزان مجرمیت نبوده و نیست بلکه عوامل و اقدامات دیگری همزمان با اجرای مجازات باید صورت گیرد که بخش‌های زیادی از آن در اختیار قوه‌قضاییه هم نیست، عوامل اقتصادی، محیطی، اجتماعی و فرهنگی که در ارتکاب جرایم خشن و رعب‌آور دخیل هستند نیازمند بررسی بوده و بدون توجه به آن قطعا مجازات‌ها هم اثر زودگذر داشته و کم‌کم صحنه‌های اجرای مجازات‌های علنی تبدیل به تفریح و سرگرمی برای تماشاچیان خواهد بود بنابراین آنچه از اجرای مجازات در ملأعام مهم‌تر است، بررسی‌های همه‌جانبه درخصوص علل ارتکاب جرم و سرمایه‌گذاری مناسب برای پیشگیری از وقوع جرایم بعدی است. در سال‌های اخیر در شهرهای مختلف و در مقیاس تبلیغی وسیع، مجازات‌های علنی اعمال شده است. آدم‌های زیادی چه به‌طور حضوری و چه از طریق رسانه‌های تصویری بدن‌های مجرمان که طناب‌دار برگردن آنها آویخته‌اند را شاهد بوده‌اند، اما تاکنون مطالعه علمی و پژوهشی توسط محققین انجام نشده است که آیا این مجازات‌ها تاثیر معناداری هم در ارتکاب جرایم توسط دیگران داشته است یا خیر؟ به نظر می‌رسد تاثیرات در حد قابل انتظار نبوده است به هر حال نباید از کنار این اتفاقات، بی‌تفاوت گذشت، قوه‌قضاییه برابر قانون اقدامات خود را انجام می‌دهد و اولیای‌دم و بزه‌دیدگان هم انتظار برخورد شدید و سریع دارند که می‌توان گفت انتظار بحقی است اما تمام ماجرا به اینجا ختم نمی‌شود، حکومت هم وظایفی دارد؛ باید تمامی دستگاه‌های مرتبط پای به میدان گذاشته و چرایی ماجرا را بپرسند و چاره‌اندیشی کنند. اما آن روی سکه نحوه اجرای احکام در ملأعام است که برابر فتاوی برخی مراجع، حضور مردم جزو لاینفک اجرای حدود نبوده و چنانچه حضور مردم مفسده داشته باشد باید اجرای حکم به‌طور پنهانی انجام شود.

آنچه در این نوشتار می‌خواهم یادآوری کنم این است که حال که نظر مقام محترم قضایی بر اجرای مجازات در ملأعام استوار است و مردم هم از این امر استقبال می‌کنند، چه خوب است به تمامی جوانب آن توجه شود مثلا می‌توان مقرراتی وضع کرد که افراد کمتر از ۱۸ سال در محل اجرا حضور نداشته باشند یا کنترل‌هایی برای حضور یا عدم‌حضور زنان صورت گیرد. حضور و پخش تصاویر کودکان خردسال در محل اجرای مجازات، مفسدان اخیر در شیراز نگران‌کننده بود، مطمئن باشید به‌جز اثر منفی روانی هیچ تاثیر دیگری روی این اطفال ندارد و معلوم نیست که آنان با ذهن معصوم‌گونه خود، چه تحلیلی از ماجرا خواهند داشت، قطعا متخصصان حوزه کودک و نوجوان هم با این نظر نگارنده موافقند؛ بنابراین استدعای عاجزانه از مسوولان محترم اجرای احکام این است که عمیق‌تر به آثار مترتب بر اجرای اینگونه احکام در منظر کودکان توجه کرده و به‌طور جدی از حضور آنان جلوگیری کنند.

خبر

تصویب سقف درآمدها و منابع در بودجه سال ۹۳ شهرداری تهران

● **مهر:** اعضای شورای اسلامی شهر تهران سقف درآمدها و منابع بودجه سال ۹۳ شهرداری تهران را با رقمی بالغ بر ۱۵هزارو۸۴۵میلیاردتومان به تصویب رساندند. رییس کمیسیون برنامه و بودجه با اشاره به گزارش کمیسیون تلفیق که هفته گذشته با حضور ۱۴نفر از اعضای شورای شهر و شش رییس کمیسیون مربوطه برگزار شده اظهار کرد: رقم پیشنهادی شهرداری بر اساس برنامه پنج ساله‌ای که خودشان ارایه داده بودند ۱۵هزارو۱۹۸میلیاردتومان بود اما کمیسیون تلفیق بعد از دو ساعت بررسی به رقم ۱۵هزارو۸۴۵میلیاردتومان رسید.

هیات وزیران تصویب کرد

افزایش جریمه فروش سیگار به زیر ۱۸ساله‌ها

● **مهر:** طبق ماده ۱۲ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات، فروشندگان یا عرضه‌کنندگان دخانیات به افراد زیر ۱۸ سال، از مبلغ ۴۳۰هزار تا دومیلیون و ۱۵۰هزارریال و در صورت تکرار ۴۳میلیون‌ریال جریمه خواهند شد. هیات وزیران بنا به پیشنهاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و به استناد تبصره (۲) ماده (۱۳) قانون جامع کنترل و مبارزه با دخانیات- مصوب ۱۳۸۵- تصویب کرد؛ حداقل و حداکثر جزای نقدی در قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات افزایش می‌یابد. براساس ماده ۱۰ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات، جرایم هرگونه تبلیغات مغایر با قانون یاد شده و آیین‌نامه اجرایی آن دومیلیون و ۱۵۰هزار تا ۲۱۵میلیون‌ریال تعیین شده است. همچنین بر اساس ماده ۱۱ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات، جرایم فروش و عرضه دخانیات از سوی افراد فاقد پروانه فروش، عرضه محصولات بدون شماره سریال و علامت مصوب و تکرار عدم پرداخت مالیات ۲/۱۵۰/۰۰۰ تا ۱۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعیین شد. طبق ماده ۱۲ قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات، فروشندگان یا عرضه‌کنندگان دخانیات به افراد زیر ۱۸ سال یا به واسطه این افراد از مبلغ ۴۳۰هزار تا دومیلیون و ۱۵۰هزار ریال و در صورت تکرار ۴۳میلیون‌ریال جریمه خواهند شد.

معاون فرهنگی وزارت علوم:

تنها حدود ۲درصد دانشجویان معتادهستند

● **مهر:** معاون فرهنگی اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با بیان اینکه دانشجوی سیگاری، معتاد نیست، گفت: هم‌اکنون حدود دودرصد دانشجوی معتاد در دانشگاه‌ها داریم. ضیاءهاشمی درخصوص آمار دانشجویان سیگاری در دانشگاه‌های کشور توضیحاتی داد و گفت: در برخی موارد آمارهای اعتیاد میان دانشجویان توسط رسانه‌ها به میزان حدود ۱۰درصد می‌رسد در حالی‌که آمار واقعی چیزی حدود دودرصد را نشان می‌دهد که دانشجویان معتاد هستند. وی با تاکید بر اینکه برخی آمارها درباره دانشجویان سیگاری یا حتی دانشجویان معتاد بزرگ‌نمایی بیش نیست، تاکید کرد: ایجاد شبکه‌های اجتماعی، شور و امید در دانشگاه‌ها، حضور دانشجویان در حلقه‌های فعالیت‌های علمی و فرهنگی می‌تواند زمینه مناسبی برای پیشگیری از این اتفاق ناخوشایند در دانشگاه‌ها باشد. البته نمی‌توان منکر شد که میان جامعه و دانشگاه ارتباط مستقیمی وجود دارد اما تاکید می‌کنم که آمار معتادان در دانشگاه‌ها کمتر از میانگین جامعه است.

معاون فرهنگی اجتماعی وزارت علوم با تاکید بر اینکه نباید این تلقی را داشت که دانشجوی سیگاری حتما معتاد است، افزود: البته این میزان اندک اعتیاد میان دانشجویان یک آسیب به شمار می‌آید و لازم است سازمان امور دانشجویان به مسایل فرهنگی و رفاهی دانشجویان نیز توجه کند و مراکز مشاوره در دانشگاه‌ها بیش از گذشته گسترش‌یافته‌اند.

وزیر بهداشت:

گزارش پارازیت «سری» نخواهد بود

● **ایسنا:** وزیر بهداشت، درمان و آموزش‌پزشکی درباره دوهزارمیلیاردتومان از منابع مالیات ارزش افزوده‌ای که قرار بود به وزارت بهداشت اختصاص داده شود، گفت: اگر قرار باشد بخشی از این رقم در اختیار وزارت بهداشت گذاشته شود تفاهمنامه‌ای با وزارت بهداشت و سازمان بیمه انجام خواهد داد. قاضی‌زاده، وزیر بهداشت در مورد تشکیل سازمان ملی اورژانس اظهار کرد: تشکیل این سازمان یک بحث داخلی در وزارت بهداشت است و همکاران در حوزه معاونت درمان با اورژانس در حال بحث در این مورد هستند. وی با اشاره به اینکه فعلا اورژانس بخشی از معاونت درمان است، افزود: هماهنگی بین دو بخش اورژانس و معاونت درمان که بیمارستان‌ها را زیر نظر دارند در وزارت بهداشت یک امر ضروری است. وزیر بهداشت همچنین در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران راجع به گزارش وزارت بهداشت در زمینه پارازیت و تشکیل کمیته‌ای برای پیگیری آن، خاطرنشان کرد: کمیته‌ای برای پیگیری این امر تشکیل شده است با این حال به قدری کار در وزارت بهداشت است که اگر تاخیری ایجاد شود به دلیل حجم کاری بالا در این بخش است.

وی افزود: لازم است در زمینه پارازیت‌ها پیگیری‌های لازم از سوی کمیته تشکیل‌شده انجام شود و اگر گزارشی از این مورد تهیه شد در اختیار رسانه‌ها قرار داده خواهد شد و سری نخواهد بود.